

منهای فوتبال

خوش بین به نتایج بانوان در المپیک



در ادامه سلسله نشست‌های وزارت ورزش که برگزاری آن به مناسبت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار است، روز گذشته نشست خبری مهین فرهادی‌زاد معاون توسعه ورزش بانوان برگزار شد. وی در آغاز این نشست خبری با تبریک میلاد حضرت فاطمه (س) گفت: «در یک سال گذشته فعالیت‌های زیادی در بخش بانوان و در حوزه‌های مختلف انجام شد که عدالت جنسیتی یکی از آنها بود. در بحث عدالت جنسیتی، تقسیم عادلانه اعتبارات را در تقاضای نامه مورد توجه قرار دادیم. ساختار ورزش بانوان در استان هاهم طی این مدت مورد توجه قرار گرفت.» این مقام مسئول در وزارت ورزش همچنین در رابطه با کرسی‌های بین‌المللی در ورزش بانوان به برخی کرسی‌های افزایش سهمیه‌ها اشاره کرد و گفت: «عضویت در فدراسیون‌های جهانی اهمیت زیادی دارد. وقتی بانوان خارج از کمیته بانوان در سایر بخش‌ها و کمیته‌های فعال آسیایی و جهانی هم متصدی پست و مسئولیت می‌شوند حکایت از جایگاه و تأثیرگذاری و توانایی آنها دارد. در حال حاضر ورزش زنان ایران ۸۸ کرسی بین‌المللی در اختیار دارد.» فرهادی‌زاد درباره پیش‌بینی‌اش از عملکرد بانوان در المپیک توکیو عنوان داشت: «ما ۱۰ سهمیه در المپیک و ۱۰ سهمیه برای افزایش سهمیه‌هاست. من کاملا به المپیک خوشبین هستم. از نظر من مقامی که الهه احمدی در المپیک داشت اهمیت دارد و حضور او در فینال بسیار مهم است. او در حال فعالیت است اما ما ورزشکاران دیگری هم داریم. در پارالمپیک هم ساره جوانمردی، شهلا پهلوی را داریم. هر نعمتی... ورزشکارانی هستند که می‌توانند روی سکوی روند.» معاون وزیر ورزش در امور بانوان همچنین در مورد آخرین وضعیت فدراسیون بین‌المللی ورزش زنان این‌طور توضیح داد: «چند سالی این فدراسیون فعالیت نداشت، باید مجوز لازم صادر می‌شد که زمان زیادی دارد. کارها رو به پایان است و می‌دانم کمیته ملی المپیک هم پیگیر ارتباط با کشور‌های اسلامی است تا نظرات آنها را هم جویا شود.»

نگاهی به کلیدواژه‌های همیشگی فکری

محمود و بهانه‌هایش!



آرپاطاری

سر مریبی استقلال این روزها رکورددار مصاحبه در فوتبال ایران به شمار می‌رود. فکری تقریباً به هیچ پیشنهاد مصاحبه‌ای پاسخ منفی نمی‌دهد و معمولاً در همه گفت‌وگوها نیز چند جمله خاص را تکرار می‌کند. مصاحبه‌های این مریبی حالا تقریباً قابل پیش‌بینی هستند چرا که او تأکید زیادی روی چند جمله ثابت دارد و در هر شرایطی این جملات را به زبان می‌آورد. جملاتی که هواداران استقلال کاملاً به شنیدنشان خو

گرفته‌اند و دیگر از روبرو شدن با این جملات، به هیچ وجه غافلگیر نمی‌شوند.

«**یک اتاق فکر علیه ما وجود دارد**» همین چند وقت پیش بود که امیر قلعه‌نویی از فعالیت یک «اتاق فکر» علیه خودش خبر داد و از همان روز به بعد، محمود فکری بدون چون و چرا از این عبارت استفاده کرده است. او بدون اینکه کوچک‌ترین توضیحی بدهد، دائماً به این موضوع اشاره می‌کند که یک اتاق فکر مشغول زیر سوال بردن دستاوردهایش در استقلال است. از این حیث، فکری شباهت بسیار زیادی به امیر قلعه‌نویی دارد. چرا که این مریبی

هم‌واره یک مشت دشمن فرضی برای خودش می‌سازد و آنها را به اخلاص در کار تیمش متهم می‌کند. سرمربی فعلی آبی‌ها حتی یک نشانه کوچک از افراد حاضر در این اتاق فکر با هواداران باشگاه در میان گذاشته اما انتظار دارد آنها حرفش را بی‌چون و چرا بیاورند.

فکری از زمان پیوستن به استقلال، بارها و بارها روی نداشتن ابزار کافی در این باشگاه تأکید کرده است. آن هم در حالی که این تیم برای اولین بار در چند سال گذشته، توانسته تقریباً همه نقرات کلیدی‌اش را در تابستان حفظ کند. استقلال روی خط دروازه، یکی از بهترین گلرهای این سال‌های فوتبال

ایران را به خدمت گرفته، در خط دفاعی با مرادمند و نادری خریدهای قابل توجهی انجام داده و در خط حمله نیز، هر سه ستاره کلیدی‌اش را حفظ کرده است. در تاریخ لیگ برتر تیم‌های به مراتب کمتر، تری از استقلال فعلی، توانسته‌اند قهرمانی را به دست بیاورند. پس این توجیه برای طرفداران باشگاه چندان پذیرفتنی نخواهد بود.

«**راه‌ما کاملاً درست است!**» این جمله سرمربی آبی‌ها که اتفاقاً از شروع فصل بارها و بارها تکرار شده، یادآور جملات برخی نمایندگان مجلس است. فکری اعتقاد دارد که انتقادهای نشان از «درست بودن» مسیر او دارند. چرا که هیچ‌کس به قطار ایستاده، سنگ

نمی‌زند. برخلاف آن چه آقای مریبی تصور می‌کند، ایراد گرفتن از یک تیم تلاشی در جهت بهتر شدن همان تیم است. افرادی هم که از فکری انتقاد می‌کنند نه طرفدار تیم‌های دیگر، بلکه در درجه اول طرفدار سفت و سخت باشگاه استقلال هستند.

«همه دارند تیکی تا کا بازی می‌کنند»

هضم این جمله هم برای هواداران آبی، فوق‌العاده سخت و سنگین به نظر می‌رسد. اینکه تیم‌های دیگر در این فصل چه کیفیتی از خودشان نشان داده‌اند، به هیچ وجه نباید دلیل خوبی برای تعیین کردن فرم بازی استقلال باشد. اگر تیم‌های دیگر به هر دلیلی خوب بازی نمی‌کنند، استقلال برای بردن لیگ باید از همه آنها بهتر باشد. نه اینکه در دست‌شبهه آنها فوتبال بازی کند و با توجیه بد بودن آنها، نتایج دلخواهش را به دست بیاورد.

«وقت ندارم ایرادها را بر طرف کنم»

البته که فکری هنوز زمان زیادی برای کار کردن در استقلال نداشته و اساساً پروژه یک مربی برای کامل شدن، وابسته به زمان است اما اینکه فکری

دائماً به کم بودن فاصله «پنج روز» بین دوبازی اشاره می‌کند، چندان پذیرفتنی نیست. این فاصله بین دو مسابقه، تنها به این فصل مربوط نمی‌شود. قبل از این در برخی از فصل‌ها حتی برنامه‌ریزی لیگ فشرده‌تر نیز بوده است. حتی در بسیاری از لیگ‌های اروپایی باشگاه‌ها در یک هفته دو مسابقه انجام می‌دهند و مربیان برای انجام همه کارها هم‌وقت پیدا می‌کنند. مساله کلیدی اینجاست که بخش مهمی از کارها باید به دست اعضای کادر فنی صورت بگیرد اما کادر استقلال که اتفاقاً از نگاه فکری بهترین کادر فنی ایران هستند، تا امروز کوچک‌ترین باری را از روی دوش این مریبی برنداشته‌اند.

همین چند وقت پیش بود که امیر قلعه‌نویی از فعالیت یک «اتاق فکر» علیه خودش خبر داد و از همان روز به بعد، محمود فکری بدون چون و چرا از این عبارت استفاده کرده است. او بدون اینکه کوچک‌ترین توضیحی بدهد، دائماً به این موضوع اشاره می‌کند که یک اتاق فکر مشغول زیر سوال بردن دستاوردهایش در استقلال است.

«**استقلالی‌ها باهوش باشند**» فکری بارها و بارها از هواداران باشگاهش خواسته که باهوش باشند و فریب بازی هواداران باشگاه‌های دیگر را نخورند. با این حال خود استقلالی‌ها هر چقدر بیشتر هوش به خرج می‌دهند و روی مسائل تیم مورد علاقه‌ی خود می‌کنند، نگرانی‌شان در مورد عملکرد کادر فنی تیم بیشتر و محسوس‌تر می‌شود.

«**نمی‌خواهند قهرمان شویم**» فکری اولین مریبی استقلال نیست که در چندسال اخیر این جمله را به زبان می‌آورد. اگر مریبان قبلی توانسته باشند از این جمله نتیجه بگیرند و سنگ بنای موفقیت‌شان را روی همین عبارت قرار بدهند، حتماً فکری هم می‌تواند دست به چنین کاری بزند!

«**بگذارید دیمی فرمان شویم!**» این جمله برخلاف جملات قبلی، بارها تکرار نشده و عبارت تازه‌تری محسوب می‌شود اما همه چیز در مورد آن فوق‌العاده نگران‌کننده است. در حقیقت محمود فکری به جای اینکه قول بهتر شدن تیمش را به لحاظ تاکتیکی به هوادارها بدهد، از آنها می‌خواهد که مشکلی با قهرمان شدن تیم به صورت «دیمی» نداشته باشند!

بالاتر می‌رفت. بسیاری از ستاره‌های فوتبال ایران اساساً در سال‌های کودکی برای تبدیل شدن به یک پاسور فوق‌العاده تربیت نشده‌اند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که اساساً تعریف پست بازساز در فوتبال امروز با گذشته متفاوت شده است. در گذشته هر تیم باید یک بازیکن بازساز را در میانه میدان قرار می‌داد اما حالا این وظیفه به همه نقرات یک تیم فوتبال سپرده می‌شود. در یک تیم مدرن فوتبال، حتی گلرهای بخشی از پرسه‌بازسازی هستند و در این کار نقش دارند. آخرین دلیل مهم را هم نباید از یاد برد. اینکه بعضی از پاسورهای درجه یک فصل گذشته لیگ برتر، حالا شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند. میلاد جهانی تیمش را تغییر داده و هنوز به شرایط جدید عادت نکرده، محسن مسلمان در مصدمیت به سر می‌برد و مسعود شجاعی نیز حالا دیگر فقط یک بازیکن نیست و در کنار بازی به عنوان مریبی نیز در تراکتورسازی مشغول به کار شده است. غیبت فانتزی‌باز هادر میانه زمین، روی جذابیت لیگ برتر تأثیر منفی زیادی دارد. برای چندین سال این بازیکن‌ها در دوران کی‌روش شناسی برای پوشیدن پیراهن تیم ملی نداشتند و حالا دست‌اسکوچیچ برای استفاده از این نقرات در ترکیب تیمش خالی به نظر می‌رسد. جدول پاسورها تا پایان هفته سیزدهم، همه چیز را در این باره مشخص می‌کند. اینکه وضعیت پاسورها در فوتبال ایران، وضعیت چندان مطلوب و دلچسبی نیست.

العربی قرار دارد. استقلال‌های ناز علی کریمی را از دست داده‌اند. فوتبال‌بستی که فصل گذشته چهار پاس گل برای بازیکنان تیم فرستاده بود و سهم بسیار مهمی در طراحی حملات تیم داشت. طبیعی به نظر می‌رسد که جدایی این ستاره‌ها، بخش مهمی از کیفیت لیگ را تحت تأثیر قرار بدهد. وقتی این مهره‌های بدون جان‌شین از تیم‌های‌شان جدا می‌شوند، سطح فنی لیگ برتر ایران نیز با تزلزل روبرو خواهد شد. معمولاً فایک‌های میانی، اصلی‌ترین گزینه‌ها برای تبدیل شدن به بهترین پاسورها هستند اما فوتبال ایران در این پست، به ندرت به سراغ جذب مهره‌های خوب خارجی رفته است. در لیگ برتر بیستم، ورومهره‌های تازه‌وارد خارجی ممنوع است و نقراتی که از قبل در لیگ برتر مانده‌اند، معمولاً پاسورهای درخشانی به نظر نمی‌رسند. پایا پاتوسی یکی از معدود ستاره‌های خارجی این سال‌های فوتبال ایران به‌شمار می‌رود که معمولاً تبحر خوبی در پاس گل و بازسازی دارد. اولین تجربه‌های حضور پاتوسی در فوتبال ایران برای خیلی از علاقه‌مندان در فوتبال، غیرمنتظره به نظر می‌رسید. چرا که آنها کم‌تر یک پاسور درخشان خارجی را در لیگ برتر دیده بودند. از این موضوع مهم هم نباید غافل شد که بسیاری از تیم‌های حاضر در لیگ برتر بیستم روی استفاده از ضربات ایستگاهی از خودشان ضعف نشان می‌دهند. اگر این تیم‌ها بر نامه‌های متفاوت و متنوعی برای استفاده از این ضربات داشتند، حتماً تعداد پاس گل‌های برخی از بازیکن‌ها به مراتب

اینجاست که ۱۳ هفته از لیگ برتری سپرده شده اما هنوز تعداد بازیکن‌هایی با حداقل سه پاس گل، دورقمی نشده است. مهر داد رضایی از مس فرستخان، یکی از مهره‌های لیگ با سه پاس گل در این فصل است. در گل گهر سیرجان هم بهنام برزای به عنوان مدافع سمت راست و احمد زنده‌روح در خط میانی توانسته‌اند سه پاس گل برای هم‌تیمی‌ها صادر کنند. علی دشتی از ذوب، مسعود شجاعی از تراکتورسازی، مصطفی احمدی از الومینیوم، مهدی محبی از نفت مسجدسلیمان و البته سرور رفیعی از سیاهان، نقرات دیگری هستند که نام‌شان در فهرست مهره‌هایی با سه پاس گل دیده می‌شود. یکی از دلایل کاهش جذابیت جنگ پاسورها، جدایی چند ستاره کلیدی از لیگ برتر در این فصل بوده است. برای مثال فصل گذشته در پرسپولیس، علی‌علیپور و مهدی ترابی روی هم ۱۱ پاس گل برای هم‌تیمی‌ها ارسال کرده بودند اما حالا هر دو نفر، از فوتبال ایران جدا شده‌اند. علی به لیگ برتر تعال رفته تا برای تیم ماریتیمو تسو بزند و مهدی ترابی هم راهی لیگ ستارگان قطر شده و البته این روزها در آستانه جدایی از

چهره به چهره

فقدان بازی‌سازهای بزرگ در لیگ برتر

این لیگ، پاسور ندارد!

آرپاطاری

تا این هفته از لیگ برتر، یک بازیکن توانسته تعداد گل‌هایش را در این لیگ دورقمی کند و دو مدعی اصلی آقای گلی روی هم ۲۰ گل به ثمر رسانده‌اند که آمار قابل توجهی به نظر می‌رسد اما در جدول پاسورهای لیگ، اوضاع چندان جالب توجه به نظر نمی‌رسد. ۱۳ هفته بعد از شروع لیگ برتر، فقط یک بازیکن توانسته بیشتر از سه پاس گل به هم‌تیمی‌ها بدهد. یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های لیگ بیستم، فقدان پاسورهای درخشان و بازسازهای فوق‌العاده در این لیگ به‌شمار می‌رود. کریم اسلامی با چهار پاس گل، صدرنشین جدول پاسورها در لیگ برتر بیستم است. در حقیقت بهترین پاسور این فصل، حتی نتوانسته آمارش را به یک پاس گل در هر ۲۷ دقیقه برساند. این آمار نشان می‌دهد که فوتبال ایران به لحاظ در اختیار داشتن مهره‌های بازساز و خلاق در میانه میدان، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. پایین‌تر از اسلامی در این جدول، هشت مهره دیگر دیده می‌شوند. نکته جالب

ژان میزبان گزینشی روئینگ

مسابقات قایقرانی روئینگ انتخابی المپیک که قرار بود در کره جنوبی برگزار شود که کره با افزایش شیوع ویروس کرونا انصراف داد، حالا تاریخ جدیدی دارد. روئینگ‌سواران در این مدت در حالی مشغول تمرین بودند که از زمان و مکان برگزاری مسابقات اطلاعی نداشتند اما در نهایت این رقابت‌ها تعیین تکلیف شد. توکیو ژاپن پیشنهاد برگزاری مسابقات را داد و فدراسیون جهانی هم پذیرفت و در نهایت قرار شد، مسابقات انتخابی المپیک روئینگ در منطقه آسیا و اقیانوسیه در توکیو ژاپن برگزار شود. طبق برنامه‌ریزی سوم و چهارم می (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰) تمرین رسمی تیم‌هاست. پنجم تا هفتم می (۱۵ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰) نیز مسابقه انتخابی المپیک برگزار می‌شود. تیم روئینگ ایران نیز به دنبال کسب سهمیه المپیک در دو بخش زنان و مردان است.

سه داوطلب میزبانی جام تختی

در حالی که مسابقات کشتی آزاد و فرنگی جام تختی به عنوان یکی از تورنمنت‌های بین‌المللی در اواخر هر سال در کشورمان برگزار می‌شود، برپایی این مسابقات در سال جاری به دلیل شرایط محدودیت‌های کرونایی در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت. به هر حال تکلیف این تورنمنت بین‌المللی داخلی هم بعد از نشست نایب رییس فدراسیون کشتی باعضای کادر فنی تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی مشخص و مقرر شدن این پیکارها به سال آینده موکول شود. دلیل اصلی این تصمیم نیز اهمیت پیکارهای گزینشی المپیک و رویدادهای پیش‌روی تیم‌های ملی خوانده شده است. بر این اساس گفته می‌شود قرار است مسابقات کشتی آزاد جام تختی اواخر اردیبهشت سال آینده و پیکارهای کشتی فرنگی این جام بین‌المللی اوایل خرداد سال آینده برگزار شود. در همین راستا سه استان کردستان، گیلان و سیستان و بلوچستان نیز برای میزبانی جام تختی اعلام آمادگی کرده‌اند. رقابت‌های کشتی گزینشی قاره آسیا ۲۰ تا ۲۲ فروردین سال ۱۴۰۰ و رقابت‌های قهرمانی آسیا روزهای ۲۳ تا ۲۸ فروردین سال ۱۴۰۰ در شهر آلمانی قراقرستان برگزار خواهد شد.

اتفاق روز

کوتاه بیا مرد!

فوتبال ایران بدون هیچ شک و تردیدی در یکی از تلخ‌ترین مقاطع همه تاریخش قرار گرفته است. باورمان نمی‌شود فقط چند روز از مرگ دردناک مهرداد میناوند گذشته و هم‌زمان با سوگواری برای این چهره جوانمردگ، با همه وجود نگران شنیدن خبری مشابه درباره علی انصاریان هستیم. فوتبال ایران، یکی از بمب‌های روحیه‌اش را از دست داده و حالا ستاره محبوب بعدی با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کند. در چند روز گذشته، خبرهای مثبتی از وضعیت علی به گوش رسیده بود. حتی شنیده می‌شد که او خودش غذا می‌خورد و شرایطش کمی عادی شده. منتظر بودیم تا خبر رهایی‌اش از این ویروس شوم را بشنویم اما ناگهان همه چیز تغییر کرد. ظرفیت تنفسی علی انصاریان کم شد و ضربان قلب او بالا رفت تا



خبر دیگری آماده نیست. فوتبال، همین حالا هم داغدار شده. فوتبال همین حالا هم رخت سیاه پوشیده است. کاش فاجعه دیگری هم از راه نرسد. کاش علی انصار، دوام بیاورد.

پنالتی قرار می‌گرفت، روبروی کرونا بایستد. هیچ‌کس این نما را دوست ندارد. همه این مردم نیازمند شنیدن یک خبر خوب هستند. خبر بازگشت علی انصاریان و برطرف شدن این خطر بزرگ. هیچ‌کس برای شنیدن

فوتبال‌بستی‌های تاریخ ایران باشد که پیراهن رقیب دیرینه تیمش را بر تن می‌کند اما به جای فحش خوردن در دربی، مورد تشویق قرار می‌گیرد. انصاریان بارها اعلام کرده که رفتنش به استقلال یک تصمیم اشتباه بوده اما هواداران آبی پایتخت هرگز علیه او موضع نگرفته‌اند. همه منتظر یک معجزه هستیم. اگر قرار باشد معجزه‌ای رخ بدهد، زمانش همین حالا است. علی باید برگردد. به خاطر دل مادرش که پشت درهای اتاق او در بیمارستان، چشم به راهش نشسته. به خاطر دل مادرش که سزاوار این تنهایی تلخ نیست. به خاطر همه آنهایی که دوستش دارند و با تماشای بازی‌های او، جگندگی را یاد گرفته‌اند. علی باید برگردد. کاش برگردد و دوباره به سراغ همان خنده‌های بلند و قطع‌نشدنی برود. کاش برگردد و فیلم‌هایش را در جشنواره ببیند. کاش برگردد، یک کات بدهد و بگوید که همه چیز فقط یک فیلم بوده است. کاش برگردد و همان قدر خونسرد که پشت ضربات